WWW.QUDSONLINE.IR چهارشنبه ۲ شهریور ۱۴۰۱ ■ ۲۶ محرم ۱۴۴۴ ■ ۲۴ آگوست ۲۰۲۲ ■ سال سی و پنجم ■ شماره ۹۸۸۷ ■ ویژه‌نامه ۴۱۵

نازه‌های نشر

مبارزه با معنویت‌های بی‌خدا در «عرفان عصر جدید»

«عرفان عصر جدید» در واقع مبارزه با آفات عرفان و دفاع از عرفان راستین و اصیل و دعوت به آن است.

به گزارش خبرگزاری کتاب ایران (ایبنا)، «عرفان عصر جدید» که حاصل سال‌ها تألمات نویسنده آن یعنی همایون همتی است به نقد عرفان‌های نوپدید می‌پردازد. در فصل‌های آغازین به ماهیت و کارکردهای عرفان‌های نوپدید می‌شود و سپس به عرفان‌های دینی که در بستر ادیان بزرگ الهی پدیدار شده‌اند می‌پردازد و پس از آن تاریخچه و اصول و مبانی عمده عرفان‌های عصر جدید را معرفی می‌کند.

این کتاب از سر اعتقاد راسخ به عرفان و اهمیت آن در زندگی بشر نگاشته شده و در واقع نوعی آسیب‌شناسی و آفت‌زدایی از عرفان اصیل و حقیقی است که در روزگار آشوبناک و فتنه‌خیز کنونی رواج و رونق یافته و با شعارهای فریبنده، مشتاقان معنویت را به خود مشغول ساخته است.

عرفان‌های نوپدید در واقع همه به نحوی از جنس عرفان‌های سکولارند. او می‌گوید: پس از جنگ‌های جهانی اول و دوم بیش از ۸ هزار و ۶۰۰ فرقه شبه‌عرفانی تنها در کشور آمریکا ایجاد شد. در دیگر کشورها نیز فرقه‌های شبه‌معنوی به وجود آمدند و شروع به فعالیت کردند.

بخشی از آسیب‌های روحی مردم در آن زمان با قرص‌ها و داروهای خلسه‌آور پاسخ داده می‌شد و در پرتو آن، مردم به دیگر ناکارآمدی فرهنگ کلیسا و کساد آن، مردم به پوچ‌گرایی (نیهیلیسم) و بی‌دینی گراییدند.

اضطراب، تنهایی، بی‌هدفی و بی‌معنایی زندگی، عطش معنوی را در آن‌ها بیدار کرد اما به جای عرفان‌های دینی و پناه بردن به کلیسا به معنویت‌های سکولار روی آوردند. در چنین شرایطی عرفان‌های نوپدید ایجاد شد. آیلی بارکر، جامعه‌شناس دین و عرفان‌پژوه معاصر، در یکی از کتاب‌های خود اعتراف کرده است که «اگر حاضر در نقد عرفان‌های جدید نوشته شده است، شناخت این عرفان‌های فرقه‌ای جدید برای جامعه امروز ما ضرورت دارد. عرفان‌های نوپدید روزگار ما در حقیقت «معنویت‌های بی‌خدا» هستند و هیچ پیوندی با دین خاصی ندارند. پس از جنگ‌های جهانی اول و دوم، در جوامع اروپایی از سویی دربی بحران‌زدگی شدید و پیامدهای جنگ مثل بمب اتمی، ایدز، بیکاری، از دست دادن خانواده، فقر، پأس و پوچی، فروپاشی شیرازه زندگی و جامعه و از سوی دیگر با گسترش علم و تکنولوژی و پیدایش جامعه‌شناس دین و عرفان‌پژوه معاصر، در یکی از کتاب‌های خود اعتراف کرده است که «اگر حاضر در نقد عرفان‌های جدید نوشته شده است، شناخت این عرفان‌های فرقه‌ای جدید برای جامعه امروز ما ضرورت دارد. عرفان‌های نوپدید روزگار ما در حقیقت «معنویت‌های بی‌خدا» هستند و هیچ پیوندی با دین خاصی ندارند. پس از جنگ‌های جهانی اول و دوم، در جوامع اروپایی از سویی دربی بحران‌زدگی شدید و پیامدهای جنگ مثل بمب اتمی، ایدز، بیکاری، از دست دادن خانواده، فقر، پأس و پوچی، فروپاشی شیرازه زندگی و جامعه و از سوی دیگر با گسترش علم و تکنولوژی و پیدایش جامعه‌شناس دین و عرفان‌پژوه معاصر، در یکی از کتاب‌های خود اعتراف کرده

نکته‌ها

آیت‌الله مصباح یزدی

رابطه قلبی با امام(ع) را با زیارت تقویت کن

اگر از شما بپرسند شما بلند شدید آمدید اینجا به زیارت امام رضا(ع)، معنی‌اش چیست، عاقلانه نیز جواب این است که می‌خواهیم رابطه‌مان را با این الگوی زندگی محکم کنیم، چون این رفتار ما را تا حدی با امام رضا(ع) تقویت می‌کند. به هر دوستی هر قدر بیشتر ظهار محبت کنید دوستی‌تان محکم‌تر می‌شود، اگر آدم مدتی با کشیده، برای چه بود؟ برای اینکه دلمان را بیشتر با آن پیوند دهیم. وقتی بیشتر به او محبت پیدا کردیم، ما هم در زندگیمان رفتارش را بیشتر می‌خواهیم. آدم هر کس را دوست بدارد دلش می‌خواهد شبیه او باشد. حتی به‌طور طبیعی دیده شده، در روان‌شناسی ثابت شده، همیشه الگویی جلوی چشممان هست، می‌دانیم چگونه باید پیروی کنیم، دلمان همیشه با او است، آرزو می‌کنیم باز سال دیگر قسمتمان شود زیارت بیاییم. سعی می‌کنیم بیشتر زندگی او را بشناسیم، ببینیم چطور زندگی کرد، سختانش را بشنویم و از آن بیشتر استفاده کنیم. این در صورتی است که این رابطه قلبی تقویت شود.

آدم کسی را که دوست می‌دارد ناخودآگاه می‌خواهد لباسش را هم مثل او بپوشد، رنگ لباسش هم مثل او باشد، مثل او راه برود. لازمه محبت است، وقتی رابطه با امام معصوم تقویت شد، دلمان می‌خواهد همه‌چیزمان شبیه او باشد. آن وقت دیگر هیچ‌وقت منحرف نمی‌شویم، همیشه الگویی جلوی چشممان هست، می‌دانیم چگونه باید پیروی کنیم، دلمان همیشه با او است، آرزو می‌کنیم باز سال دیگر قسمتمان شود زیارت بیاییم. سعی می‌کنیم بیشتر زندگی او را بشناسیم، ببینیم چطور زندگی کرد، سخنانش را بشنویم و از آن بیشتر استفاده کنیم. همه‌چیزمان شبیه او باشد. آن وقت دیگر هیچ‌وقت منحرف نمی‌شویم، همیشه الگویی جلوی چشممان هست، می‌دانیم چگونه باید پیروی

در زیارت امام رضا(ع) در روایات است کسی که زیارت امام رضا(ع) برود، ایشان در عالم برزخ به اندازه تعداد زیارت‌ش به بازدیدش می‌آیند. عجیبی است که حاجت‌های بزرگی که نشدنی فرض می‌کردند، هیچ امیدی به تحققش نداشتند، به زیارت امام رضا(ع) رفتند و پس از زمان مناسبی حاجتشان برآورده شده است. آن قدر این‌ها هست که قابل‌شمارش نیست. چه‌از این بهتر؟!

حالا ممکن است زمان اقتضا داشته تأخیر پیدا کند اما قضایای عجیبی است که حاجت‌های بزرگی که نشدنی فرض می‌کردند، هیچ امیدی به تحققش نداشتند، به زیارت امام رضا(ع) رفتند و پس از زمان مناسبی حاجتشان برآورده شده است. آن قدر این‌ها هست که قابل‌شمارش نیست. چه‌از این بهتر؟!

نا اربعین

خاطرات مرحوم کافی از پیاده‌روی اربعین

عراقی‌ها باقی غذای زائران را تبرک برمی‌داشتند

عراق‌ها در مضیف (مهمانسرا)، غذای زیادی فراهم می‌کردند و ما تنها بخشی از آن را می‌خوردیم. بعد باقی غذا را به باغ‌ها می‌بردند و به افراد حاضر به عنوان تبرک می‌دادند و می‌گفتند این باقیمانده خوراک زائران پیاده امام حسین(ع) است، به گزارش خبرگزاری فارس، مرحوم احمد کافی، از خطیبان معروف کشورمان در یکی از سخنرانی‌های خود به نقل خاطراتش از پیاده‌روی اربعین حسینی پرداخته بود. گزیده‌ای از این خاطرات را در ادامه می‌خوانید.

■ من رویم کنار غیر نسیم عزیز شما

در ایام اربعین، ۱۲ - ۱۰ نان می‌گرفتیم و از نانوا می‌خواستیم آن را خشک کند. سپس داخل اتاق مدرسه می‌بردیم و در کیسه‌ای خُرد می‌کردیم. یک مَن ماست هم می‌گرفتیم و داخل کیسه می‌ریختیم تا مَن ماست هم می‌گرفتیم و می‌آمدیم. در این جمعیت اهل علم سر من دعوا بود و همه می‌خواستند خدمتشان باشم. کار من این بود که در این مسیر هرجایی که دور هم روی خاک‌ها می‌نشستیم عبای خود را به عنوان زیرانداز می‌انداختیم و من برای آن جمعیت روضه می‌خواندم. عجب حال خوبی هم داشتند.

■ روضه‌خوانی در مسیر پیاده‌روی اربعین

در گروه‌هایی ۱۰ یا ۱۵ نفره به سمت کوفه می‌رفتیم و از کنار فرات و نخل‌ها پیاده‌راهی کربلایی شدیم. دو یا سه فرسخ راه را می‌رفتیم کمی استراحت می‌کردیم، غذایی می‌خوردیم و حدیث می‌خواندیم. در این جمعیت اهل علم سر من دعوا بود و همه می‌خواستند خدمتشان باشم. کار من این بود که در این مسیر هرجایی که دور هم روی خاک‌ها می‌نشستیم عبای خود را به عنوان زیرانداز می‌انداختیم و من برای آن جمعیت روضه می‌خواندم. عجب حال خوبی هم داشتند.

■ باقیمانده غذای ما را تبرکی برمی‌داشتند

پدر خانواده با فرزندانش بالای سر ما ایستاده بودند. یکی فانوس در دست داشت، دیگری لیوان دوغ دستش بود و زمانی که ما اراده می‌کردیم، از ما پذیرایی می‌کردند. غذا زیاد بود و ما فقط بخشی از آن را می‌خوردیم. بعد او باقیمانده غذا را به باغ‌ها می‌برد و به افراد حاضر به عنوان تبرک می‌داد و می‌گفت این باقیمانده خوراک زائران پیاده امام حسین(ع) است.

گفت‌وگو با حسن هادی‌زاده، طراح سبک جدید قرآن‌آموزی به کودکان

آموزش قرآن باید دغدغه نهاد خانواده باشد

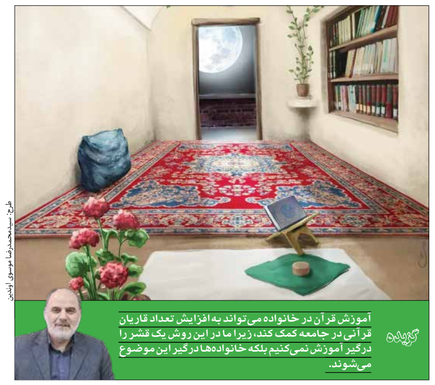

آموزش قرآن در خانواده می‌تواند به افزایش تعداد قاریان قرآنی در جامعه کمک کند، زیرا ما در این روش یک قشر را درگیر می‌کنیم

طراح سبک جدید آموزش قرآن به کودکان

مهدیه قمری | بادگیری قرائت قرآن نیز مانند حفظ این کتاب آسمانی از جمله تأکیدات رهبر معظم انقلاب به مردم، پژوهشگران، قاریان و حافظان قرآن کریم بوده است. این موضوع به اندازه‌ای مورد تأکید معظم‌له بوده که در جمع قاریان و حافظان این کتاب آسمانی به این نکته اشاره داشتند که باید مردم را به راهی که قرآن بشارت می‌دهد، امیدوار کرد.

از سوی دیگر حسن هادی‌زاده، قاری و مدرس که بیش از ۴۰ سال از عمر خود را برای آموزش قرآن صرف کرده، سبکی را در آموزش قرائت قرآن برای سنین کودک تا مقطع راهنمایی در نظر گرفته و بیش از ۴ سال در این عرصه فعالیت دارد، با او درباره ایده این سبک آموزش و اهمیت یادگیری قرائت قرآن کریم گفت‌وگویی انجام داده‌ایم که در ادامه می‌خوانید.

■ از علاقه‌مندیتان به قرائت قرآن بگویید.

از دوران کودکی بسیار علاقه‌مند به قرآن بودم. تماشای قاریان قرآن در مدرسه یا رسانه ملی برایم انگیزه شد تا پیگیر یادگیری قرائت قرآن شوم. دوست داشتم مانند دانش‌آموزانی که در مراسم مختلف مدرسه برای قرائت قرآن اقدام می‌کردند من نیز بتوانم این کار را انجام دهم. در این راستا در کلاس استادانی از جمله استاد صمدی، حسین علمی، میرزاعلی رحیمی و حاج هاشم معجتهزاده شرکت کردم.

یاد دست در یکی از کلاس‌ها ساعت پایان آموزش، دیروقت بود و برای اینکه بتوانم به‌موقع به منزل برسم پس از پایان کلاس به سمت منزل می‌دویدم، اما بازهم ممکن بود دیر به خانه برسم طوری که خانواده‌ام نگرانم شوند، با وجود این، همه تلاشم را می‌کردم تا بتوانم با رضایت خانواده در کلاس قرآن شرکت کنم.

■ شما در کلاس‌های آموزشی خود از شیوه‌ای برای آموزش استفاده می‌کنید، ایده برگزاری کلاس‌ها با این سبک از کجا رسید و لطفاً درباره جزئیات آن بگویید.

دختر ریحانه خانم وقتی پنج سال داشت در کلاس‌های آموزشی قرآن در یکی از مهدها شرکت می‌کرد، مادرش نیز با او می‌رفت و چون اجازه حضور در کلاس را نداشت پشت در می‌نشست و مطالب را یادداشت می‌کرد. پس از کلاس، همسرم در اوقاتی که با دخترمان در خانه بود به‌وسیله بازی با دختر مکاتی که در کلاس گفته شده بود را تکرار می‌کرد، این موضوع سبب شد قرآن را به‌خوبی قرائت کند، به طوری که وقتی قرائت قرآن می‌کرد بسیاری از والدین از قرائت او خرسند بودند.

این موضوع ایده‌ای در ذهنم ایجاد کرد که اگر آموزش به کودکان با حضور اولیای آن‌ها باشد تأثیر بهتری دارد. گرچه من سال‌های بسیاری در ارگان‌های مختلف به بزرگسالان قرائت قرآن آموزش می‌دادم و تجربه تدریس به کودکان را نداشتم ولی وقتی والدین از من خواستند کلاس‌های آموزشی برای فرزندانشان برگزار کنم، تصمیم گرفتم مادران نیز همراه فرزندان خود در این کلاس‌ها حضور یابند. این موضوع چند نتیجه مهم دارد، ابتدا اینکه حواس کودکان در کلاس به بررسی خود است و مادران نیز نکات را به‌خوبی و دقیق یادداشت می‌کنند، نکته دوم این است که مادران پس از کلاس می‌توانند در خانواده‌شان در ساعاتی، همان نکات گفته شده را با کودکان تکرار کنند. آموزش قرآن در خانواده می‌تواند به افزایش تعداد قاریان قرآنی در جامعه کمک کند، زیرا ما در این روش یک قشر را درگیر آموزش نمی‌کنیم بلکه خانواده‌ها درگیر این موضوع می‌شوند.

■ کودکان تا چه اندازه نسبت به سایر سنین در قرائت قرآن موفق‌تر هستند؟

به‌طور معمول از دوم دبستان به بعد موفق‌تر هستند، البته روش تدریس که شامل روخوانی، روان‌خوانی و تجدید قرآن می‌شود نیز مهم است.

■ عوامل مؤثر در یادگیری قرائت قرآن همراه با سطح کیفی مناسب چیست؟

داشتن علاقه، پشتکار و صبر از جمله مهم‌ترین عوامل در این بخش است، اما اگر جزئی‌تر بخواهیم بگوییم، افراد باید در ابتدا هدف را مشخص کنند، زیرا بدون هدف، انسان سردرگم است. زمانی که هدف مشخص شد به سوی آن حرکت می‌کند. حرکت به سوی این هدف سبب هدفمندی آن می‌شود، رسیدن به هدف موجب می‌شود به اجرای آن سرعت داده شود. گام بعدا این است که برای رسیدن به هدف، برنامه‌ریزی کرد و در قالب این برنامه‌ریزی، بایدها و نبایدها را در نظر گرفت، این‌ها مراحلی است که وقتی اجرایی شود افراد در همه عرصه‌ها به‌ویژه قرائت قرآن موفق می‌شوند.

■ به نظر شما حلقه مفقوده جامعه در حوزه فعالیت‌های قرآنی چیست؟

هر موضوعی مقدمه دارد، قرائت قرآن بسیار مهم است، در پله اول باید بتوانیم به عنوان یک مسلمان، قرآن را بخوانیم، متأسفانه به دلیل مشکله‌هایی که در زندگی مردم وجود دارد خیلی فرصت نمی‌کنند قرآن را قرائت کنند. به نظرم نیاز به راه‌اندازی نهضت قرآن‌آموزی برای مردم داریم تا آن‌ها با سه روش قرائت قرآن و ارتباط بیشتر با مبانی و مفاهیم این کتاب آسمانی بپریم. قرآن کتاب جذابی است؛ کافی است مردم فرصتی برای قرائت آن و ارتباط بیشتر با پروردگار بگذارند.

اگر در جامعه مشکلاتی وجود دارد به دلیل جدی نگرفتن قرآن است. آموزش و پرورش باید بیشتر از پیش به قرائت قرآن در میان دانش‌آموزان توجه کند، سطح هوشی کودکان و سایر مردم نسبت به گذشته تغییر کرده، نظام آموزش هم باید ارتقا پیدا کند. روش تدریسی که داشتیم نشان داد می‌توانند در یک ترم آموزش ببینند، وقتی در کوتاه مدت می‌توان آموزش داد چرا وقت مردم را بگیریم؟ رهبر معظم انقلاب نیز همواره تأکید بسیاری بر اقتصاد مقاومتی دارند، صرف هزینه و وقت کم نیز در راستای منویات رهبر معظم انقلاب است.

سازمان آموزش و پرورش ۹ ماه وقت دارد به دانش‌آموزان قرآن را با همه نکاتی که دارد آموزش دهد، اگر این موضوع انجام شود تحولی عظیم در آموزش ایجاد می‌شود.

■ رسانه‌ها به‌ویژه رسانه ملی چه اقدامی باید در حوزه آموزش قرآن انجام دهند؟

مسئله تبلیغ رسانه بسیار مهم است؛ ضروری است در رسانه‌ها برای قرآن نیز تبلیغ شود. متأسفانه به جز برنامه‌هایی محدود در یک یا دو شبکه، برنامه‌ای از درخشش قاریان ایرانی قرآن در کشورهای اسلامی از رسانه ملی پخش نمی‌شود، با این قاریان گفت‌وگویی انجام نمی‌شود تا نسل جدید با آن‌ها بیشتر آشنا شوند. لازم است رسانه ملی در این عرصه تولیدات بیشتری داشته باشد و تولیدات قرآنی خود را از شبکه‌های مختلف پخش کند، باید به قاریان بها داده شود و تشویق شوند تا در کنار قرآن و ارتباط بیشتر با مبانی و مفاهیم این کتاب آسمانی بپریم. قرآن کتاب جذابی است؛ کافی است مردم فرصتی برای قرائت آن و ارتباط بیشتر با پروردگار بگذارند.

■ کودکان تا چه اندازه نسبت به سایر سنین در قرائت قرآن موفق‌تر هستند؟

به‌طور معمول از دوم دبستان به بعد موفق‌تر هستند، البته روش تدریسی